



زنده شدن

درختان خشکیده

با نقش منطق الطیر

گفت و گو با استاد «حمید عمادی»، مجسمه ساز و

منبت کاری که هنر نمایی اش با دست روی درختان

خشک شده باغ جهان نمای شیراز پر باز دید شد

علیرضا کاردار | روزنامه نگار

پرونده

چندی پیش ویدئویی در فضای مجازی باز نشر شد که توجه خبرگزاری ها و کاربران را به شدت به خود جلب کرد. در آن ویدئو نماهایی زیبا از باغ جهان نمای شیراز دیده می شد که درختان خشک آن به طرز هنرمندانه ای کنده کاری شده بودند. درختانی که اگر در هر باغ و فضای سبز دیگری بودند، بلافاصله قطع شده و از ریشه درآمده بودند. ولی در این باغ، با هنر دست یک هنرمند به آثاری فاخر تبدیل و باعث جذب بیشتر گردشگر شده اند. با پرس و جو خالق این آثار هنری یعنی استاد «حمید عمادی» را یافتیم. از آن جایی که این هنرمند به گفته خودش علاقه ای به جمع ندارد، به سختی توانستیم با او تماس بگیریم تا درباره این درختان حرف بزنیم. در پرونده امروز زندگی سلام با هم این صحبت ها را می خوانیم تا بدانیم که او کیست و چطور بر درختان بی بار و خشک، چنین آثار ارزنده ای را نقش کرده است.

باغ جهان نما، تاریخی ترین باغ شیراز

شهر شیراز یادآور باغ های انبوه و تاریخی است.

باغ هایی که در گذر روزگار بسیاری از آن ها به

دلایلی مانند ساخت و ساز، کم آبی و غفلت مردم

از بین رفته و فقط چند باغ باقی مانده است. باغ

جهان نمایی از این باغ های دیدنی شهر شیراز

است. این باغ همچون سه باغ مشهور دیگر این

شهر یعنی باغ ارم، باغ دلگشا و باغ تخت، در دوره

آل مظفر و آل اینجو (قرن هشتم هجری قمری)

آباد و سرسبز بوده است. این باغ هنگام اقامت

تیمور گورکانی در شیراز، همچون سایر باغ های

بزرگ آن دوره مورد توجه و واقع شده تا جایی که

یک باغ شبیه آن را در اطراف سمرقند که وطنش

بوده ساخته و آن را هم جهان نما نامیده است.

باغ جهان نما در دوره صفویه هم مایه زیبایی شهر

درختان خشکیده باغ جهان نما زنده می شوند

می رسیم به بحث باغ جهان نما که

ویدئویش به تازگی در شبکه های

اجتماعی و فضای مجازی پر باز دید

شده است. استاد عمادی درباره

این کار هنرمندانه می گوید: «پروژه

باغ جهان نما سال ۹۴ شروع و سال

۹۶ تمام شد. تا آن زمان پروژه ای با

حجم، ابعاد، ریزه کاری و وقت مانند

جهان نما انجام نشده بود. چون چند

درخت خشکیده داشت، اول با دو

درخت شروع کردم و طرح سیمرغ

زدم. می خواستم نشان بدهم که

می توان روی این درخت ها کار کرد.»

او کارش را با دو درخت خشکیده در

این باغ شروع کرده است. بعد که مورد

استقبال قرار گرفتند، کار را گسترش

داده است: «بعد از آن کنده کاری روی

۴ درخت دیگر به انجام دادم. اوایل

می گفتند گل و مرغ انجام بده ولی

چون دیدم بکنواخت می شود، روایتی

از منطق الطیر عطار را انتخاب کردم.

نتیجه این شد. در نهایت ۶ درخت در

طول این دو سال به سفارش فضای

سبز شهر داری انجام دادم. امیدوار

بوم بتوانم باز هم ادامه بدهم ولی دیگر

قسمت نشد.»

تاثیر تخت جمشید

بریک دهه شمعی



بعد از مدتی پیگیری، سرانجام این هنرمند با ذوق را پیدا

می کنیم. خودش را این گونه معرفی می کند: «حمید

عمادی کربالی، متولد ۱۳۶۱ هشم که مدرک کاردانی

برق دارم. دو تر هم در دانشگاه شیراز تحصیل کردم ولی

نتوانستم با مباحث تئوری کنار بیایم و انصراف دادم.»

برعکس ت و توک عکس هایی که از استاد عمادی در

خبرگزاری ها ست و سنش را خیلی بالاتر نشان می دهد،

مشخص می شود او یک دهه شمعی کوشاست که این

هنر را به صورت تجربی یاد گرفته است. خودش می گوید:

«نزدیک به ۱۷ سال است که در این کار فعال هستم. اصالتا

مرد دشتی هستم و چون نزدیک تخت جمشید زندگی

می کردم، آن نقش بر جسته ها و حجم های تخت جمشید

را از کودکی می دیدم و در من علاقه ایجاد کردند. در ابتدا

با گچ نمونه هایی می ساختم و بعد از یکی دو سال به سمت

کار با چوب و سنگ کشیده شدم.»

جاهای دیگر کار می کردم

تا هزینه های این پروژه جور شود

از میان حرف هایش مشخص می شود که از برخورد مسئولان هنگام

اجرای پروژه و بعد از آن دل خوشی ندارد. درباره مسائل مالی این کار

می گوید: «از درخت دوم به بعد کار را برای مسائل مالی انجام نمی دادم.

فقط می خواستم آن اتفاق بیفتد. جای دیگر کار می کردم تا هزینه های

این پروژه را بدهم. در مراسم اختتامیه این کار فقط چند نفر از دوستانم به

صورت دور همی آمدند ولی مسئولی نبود. من دنبال شهرت نبودم ولی

مدتی از این که کارم هیچ باز خوردی بین مدیران نداشت، ناراحت بودم.

خدا را شکر حالا بعد از ۶ سال این پروژه دیده شده است.» در این ویدئو دیده

می شود که از بالای یکی از این درخت ها سیم برق رد شده که باعث شده

بود کار بران به این موضوع واکنش منفی نشان بدهند. آقای عمادی در این

باره می گوید: «یکی دو ماه پیش به باغ رفته بودم تا حال و هوایی عوض کنم

که دیدم روی یکی از درخت ها سیم کشیده اند. ناراحت شدم. از آن جایی

که نمی خواستم دیگر به سمت این کار بروم چون خیلی انرژی از من گرفته بود،

این موضوع را به کسی نگفتم و پیگیری نکردم. موضوع بدتر این بود که آن کابل

برای نورپردازی درخت هم نبود و مربوط به چیز دیگری بود. بی سلیقه گی در سیم

کشی روی آن درخت موج می زد.»



باز خوردهای مثبت و انرژی مردم،

عامل ادامه کار

با این که آقای عمادی از برخورد برخی مسئولان دلخور است ولی

می گوید که باز خوردها از جانب مردم بی نظیر بوده است: «تماشاگران

باغ جهان نما از وقتی افتتاح شد تا قبل از این کار، می گفتند این گل و گیاه

را ما هر جای دیگر هم می بینیم و این باغ چیز خاصی ندارد. اما بعد از کار

شدن این درختان، هم باز دید کننده راضی به تماشای باغ می آمد و هم

خود باغ جلوه خاصی یافته بود. گردشگر می آمد به باغ با درختان

عکس یادگاری می گرفت و خاطره خوب برایش می ماند

ویک کار متفاوت می دید.» او می گوید که انرژی اش را از

مردم می گرفته: «از یک زمانی به بعد فقط انرژی مردم باعث می شد

که آن جا بمانم. یک وقت هایی به خاطر نامهربانی ها و برخورد های

غیر حرفه ای کم می آوردم و... مثلاً متولیان امر توقع داشتند پروژه زود

تمام شود و زمان نبرد. در صورتی که کاری که با دست انجام می شود

فرق دارد با کاری که

با مواد مصنوعی و

شیمیایی و قالب

انجام می شود.

وقت هایی می شد

که با خودم

می گفتم انصراف

بدهم و خسارتش

را بپردازم و

بیایم بیرون.

ولی مثلاً همان

روز می دیدم

یک دختر بچه

کوچولو پای کار

می آمد و برایم

دست تکان

می داد تا پایین

بروم و یک شاخه

گل به من بدهد.»



گردشگرهای خارجی شیفته سیمرغ

و منطق الطیر می شوند

این استاد مجسمه ساز درباره نظر گردشگر ها بعد از دیدن این درخت ها

می گوید: «مثلاً بازدید کننده ای می گفت آقا می شه این تکه چوب را

برایم قوس بزنن تا یادگاری داشته باشم؟ یا پیرمرد و پیرزنی می آمدند

یک گوشه می نشستند و ساعت ها به کار من نگاه می کردند، بدون هیچ

حرفی. می فهمیدم آن اتفاق دارد می افتد و مردم دارند ارتباط برقرار

می کنند. بارها و بارها این اتفاق برای من رخ داد و از یک جایی به بعد به

شوق مردم این کار را انجام می دادم.» او خاطرات زیادی از برخورد مردم

دارد، مثلاً تعریف می کند: «یک گروه گردشگران خارجی به باغ آمده

بودند. من بالای درخت کار می کردم و هنوز محدودیت های کرونا نبود.

راهنمایان می گفت این افراد اصرار داشتند به باغ جهان نما بیایند و

این درختان را ببینند. وقتی دیده اند چند درخت دیگر هم کار می شود،

خواسته بودند تورا ببینند که مشغول انجام آن کار هستی. بعد که داستان

سیمرغ را برایشان توضیح دادم، خیلی لذت بردند و به منطق الطیر عطار

هم علاقه مند شدند. می خواستند جزئیات بیشتری در این باره بدانند.»



اصرار داشتند وطنم را ترک کنم

اما من ماندم

آقای عمادی چون شاگرد زیادی قبول نمی کند، برای تامین درآمدها

مجبور است دست به کار های دیگری بزند، خودش می گوید: «برای

تامین هزینه ها گاهی کار های شخصی انجام می دهم و به اصطلاح

کار بازاری می کنم تا درآمدی داشته باشد. اگر پروژه ای پیشنهاد شود

هم انجام می دهم.» از این هنرمند بی ادعا پرسیدیم که آیا هنرش را به

شاگردانی هم آموزش داده است؟ پاسخ داد: «من مقداری جمع گیر

هستم و علاقه ای به برگزاری کلاس عمومی ندارم. دوست دارم گوشه

کار گاهم کارم را انجام بدهم. اگر کسی عاشق این هنر و پیگیر باشد و

جوهره اش را داشته باشد، حاضرم آموزش بدهم. الان هم یکی دو نفری

هستند. همین کار باعث شد چند دوست و شاگرد پیدا کنم. یک روز آقای

شصت و چند ساله ایرانی که مقیم خارج بود با خانمی آمدند و خواستند

من پایین بروم. گفت اجازه بده این چند وقتی که ایران هستم کنار شما

باشم و کار را یاد بگیرم. جالب این جاست که این آقا بعدا که به کشورش

بازگشت همین کار را ادامه داد. آن زمان اصرار داشت که من را هم با

خودش ببرد و وقتی گفتم که وطنم را ترک نمی کنم، ناراحت شد. اما

من باعث شدم این هنر به کشورهای دیگر هم صادر شود.»